

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چهل حدیث درباره‌ی توحید

مؤلف: دارالقاسم

مترجم: پدرام اندایش

نام کتاب: چهل حدیث درباره‌ی توحید

مؤلف: دارالقاسم

مترجم: پدرام اندایش

ناشر: بوکان – انتشارات

نوبت چاپ: اول – پاییز ۱۳۹۶

چاپ: بوکان – رامان

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ریال

کلیه حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است.

بسم الله الرحمن الرحيم

شکر و ستایش برای الله تعالی است و او [برای بندگان]
کافی می‌باشد و صلوات و سلام بر بنده و فرستاده‌ی او محمد
مصطفی و بر آل و اصحابش و کسانی که از او تبعیت می‌کنند
و اما بعد:

از نعمتهایی که الله تعالی به ما داده است، میسر شدن راه-
های خیر برای ما و مهیا فرمودن موجبات رحمت او می‌باشد
و از بزرگترین نعمتهای او این است که به ما، برای اطاعت از
او و خدمت نمودن به دینش و عمل نمودن به سنتش توفیق
داده است. از بزرگترین اطاعتها و محبوبترین مسائلی که باعث
نزدیک شدن به الله تعالی می‌شود، همان عبادت او، به صورت
یکتا و بدون شریک است و یکتا دانستن الله سبحانه در
عبادت و اطاعت می‌باشد؛ به همین دلیل کتابی نوشتم که در
آن چهل حدیث درباره‌ی توحید آمده است تا از طرف من، در
این امر دین مشارکتی وجود داشته باشد، امری که اصل دین،

ستون آن و سبب نجات، کامیابی و رستگاری در دنیا و آخرت می‌باشد. به صورت چهل گانه می‌باشد، همان گونه که امام نووی رحمه الله «الأربعین» و امام هروی، «الأربعین فی دلائل التوحید»، امام طوسی أبی حسن محمد بن أسلم، «الأربعین» و لمام أبی الفرج محمد بن عبد الرحمن، «الأربعین فی الجهاد» و ابن عساکر، «الأربعین فی مناقب أمهات المؤمنین» و ابن حجر، «الإمتاع بالأربعین المتباینه السماع» و بیهقی، «الأربعون الصغری» و عراقی، «الأربعون العشاریه» و ابن القاسم علی بن حسن بن هبة الله، «الأربعون فی الحث علی الجهاد» و دیگران در کتابهای خود چهل حدیث آورده‌اند.

منطق آن علماء این گونه بوده است که چهل حدیث را درباره‌ی فضیلت چیزی از رسول الله ﷺ آورده‌اند و چه بسا که در کتابهای آنها حدیث ضعیف نیز وجود دارد و من نیز چهل حدیث آورده‌ام تا به آنها نزدیک شوم، زیرا در حدیثی که سیوطی رحمه الله در تفسیرش آورده است و أبی نعیم آن را

چهل حدیث درباره‌ی توحید//۳

ارزش داده است، آمده است که ابن مسعود از رسول الله ﷺ روایت کرده است: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثا، ینفعهم الله بها، قیل له: ادخل من أی أبواب الجنة شئت» (کسی که برای امت من چهل حدیث حفظ کند، الله [تعالی] توسط آن به آنها منفعت می‌رساند و به او گفته می‌شود: از هر کدام از دربهای بهشت می‌خواهی [به آن] داخل شوی)^(۱).

بیهقی در شعب الایمان از ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثا فیما ینفعهم من أمر دینهم بعثه الله یوم القیامة من العلماء، وفضل العالم علی العابد سبعین درجة. الله أعلم بما بین کل درجتین» (شخصی که برای امت من چهل حدیث را حفظ کند که به آنها با امر دینشان منفعت برساند، الله [تعالی] روز قیامت او را از [زمره‌ی] علماء مبعوث می‌فرماید و فضیلت عالم بر عابد هفتاد درجه می‌باشد. الله

(۱) انظر: الدر المنثور (۷/۲۶۶)، وانظر: الأربعون حدیثا، لأبی القاسم علی

بن الحسن بن هبة الله (رقم ۴).

عالمترین است که چه [فاصله‌ای] بین درجات می‌باشد^(۱).

تمام رازی در فوائدش از ابن عباس رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً من السنة كنت له شفیعا يوم القيامة» (شخصی که برای امت من چهل حدیث از سنت را حفظ کند، برای او در روز قیامت شفاعت کننده می‌باشم)^(۲).

همچنین از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمود: «من حمل من أمتی أربعین حدیثاً بعثه الله يوم القيامة فقیهاً عالماً» (کسی از امت من که چهل حدیث حفظ کند، الله [تعالی] او را در روز قیامت فقیه و عالم محشور می‌فرماید)^(۳).

أبو القاسم علی بن حسن بن هبة الله از ابودرداء رضی الله عنه آورده

(۱) شعب الإيمان (۲/ ۲۷۰ رقم ۱۷۲۵).

(۲) الفوائد (۲/ ۱۴۱ رقم ۱۳۶۸).

(۳) انظر: الفوائد لتمام الرازی (۲/ ۱۴۱ رقم ۱۳۶۹).

چهل حدیث درباره‌ی توحید // ۵

است که رسول الله ﷺ فرمود: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً من أمر دینها بعثه الله فقیهاً، وکنت له یوم القيامة شافعاً وشهیداً» (کسی که برای امت من چهل حدیث از امور دینش را حفظ کند، الله [تعالی] او را فقیه مبعوث می‌فرماید و برای او در روز قیامت، شفاعت کننده و شاهدی می‌باشم)^(۱).

همچنین از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمود: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً من أمر دینها بعثه الله یوم القيامة فی زمرة الفقهاء والعلماء» (کسی که برای امت من چهل حدیث از امر دینش را حفظ نموده باشد، الله [متعال] در روز قیامت او را در زمره‌ی فقیهان و علماء مبعوث می‌نماید)^(۲).

همچنین از ابن عباس رضی الله عنهما روایت کرده است که رسول الله ﷺ فرمود: «من حفظ علی أمتی أربعین حدیثاً من

(۱) أربعون حدیثاً (رقم ۱).

(۲) أربعون حدیثاً (رقم ۲).

السنة كنت له شفيعاً يوم القيامة» (شخصی که برای امت من
چهل حدیث از سنت را حفظ کند، برای او در روز قیامت
شفاعت کننده‌ای می‌باشم)^(۱).

خطیب بغدادی درباره‌ی شرف اهل حدیث با سندش از
انس بن مالک رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «من
حفظ على أمتي أربعين حديثاً مما يحتاجون إليه من الحلال
والحرام كتبه الله فقيهاً عالماً» (کسی که برای امت من چهل
حدیث را حفظ کند که به آن احتیاج دارند و درباره‌ی حلال و
حرام می‌باشد، الله [تعالی] او را فقیه و عالم محسوب می-
دارد)^(۲).

مناوی رحمه الله گفته است: «من حفظ على أمتي» به

(۱) أربعون حديثاً (رقم ۳) وانظر: الأربعين لأبي الحسن الطوسي (رقم ۴۵)
وفوائد تمام (رقم ۱۳۶۸).

(۲) شرف أصحاب الحديث (ص ۱۹) وانظر: الأربعين لأبي الحسن الطوسي
(رقم ۴۴) وفوائد تمام (رقم ۱۳۶۹).

چهل حدیث درباره‌ی توحید ۷۱

این معناست که برای آنها با تخریج و سند، آن را نقل کند. «أربعین حدیثاً» چهل حدیث از سنت صحیح یا حسن و گفته شده است: یا ضعیف باشد و از فضایل اعمال باشد. «كنت له شفیعاً وشهیداً یوم القیامة» (برای او در روز قیامت شفاعت کننده و شاهدی خواهم بود). در روایتی دیگر: «کتب فی زمرة العلماء وحشر فی زمرة الشهداء» (او را در زمره‌ی علماء می‌نویسد و او را در زمره‌ی شهیدان مبعوث می‌نماید). در روایتی دیگر: «بعثه الله یوم القیامة فی زمرة الفقهاء والعلماء» (الله [تعالی] او را در روز قیامت در زمره‌ی فقیهان و علماء مبعوث می‌نماید).

اصفهان‌ی گفته است: در این باره اختلاف نظر وجود دارد، بعضی این گونه برداشت کرده‌اند که چهل حدیث درباره‌ی احکام باشد و بعضی برای آن شرط گذاشته‌اند که طعنه به آن وارد نباشد و از بدگویی سالم بماند و بعضی دیگر این گونه برداشت کرده‌اند، احادیثی باشد که در عرفان آمده است و

درباره‌ی آداب درون و معامله باشد و بعضی دیگر گفته‌اند: احادیثی باشد که پرهیزگاران را اصلاح نماید و با حال اهل بینش موافق باشد. تمامی این موارد درست است و به حقیقت یقین بنده، از آنچه الله [تعالی]، برای اهل اطاعت از ثواب بردن در سرزمین حساب و کتاب وجود دارد، بر می‌گردد. هر کس به یکی از این برداشت‌ها روی کند، حدیث را با جدیت و کوشش حفظ می‌کند و به دنبال معرفت و هدایت می‌رود و به چیزی می‌رسد که الله [تعالی] توسط رسولش ﷺ به آن برای روز قیامت وعده داده است... ابن عساکر گفته است: احادیثی از علی، عمر، انس، ابن عباس، ابن مسعود، ابوامامه، ابودرداء و ابو سعید رضی الله عنهم روایت شده است که همگی آنها صحیح نمی‌باشند، ولی زیاد بودن سلسله راوی حدیث آن را تقویت می‌کند. بهترین سلسله راوی به معاذ رضی الله عنه بر می‌گردد که البته سند آن ضعیف است و آن این حدیث است: «من حفظ علی أمتی أربعين حديثاً من سنتي، ونقلها إليهم أدخلته يوم القيامة في

شفاعتی» (کسی که برای امت من چهل حدیث از سنت مرا حفظ کند و آن را برای آنها بیان دارد، روز قیامت، شفاعت من شامل حال او می‌شود). بدین صورت که اگر آن را نقل نکند، شامل این وعده نمی‌شود و آن وقتی است که با قلب آن حفظ شود و به امت توسط آن سود برسد... اگر آن را با سندهایش و کوشش نقل کند، همان گونه بخاری (بخارایی) و مانند او این کار را کرده‌اند با برترین حالت نقل، آن را نقل کرده است و اگر از کتابهای آنها استفاده کند، مانند «المصنف» این وعده به او می‌رسد و اگر به مانند آنها آن را حفظ نکند و فقط در کتابی آن را بیان دارد که سختی برای تخریج آن صورت نگرفته است، واقع شدن این وعده برای او به مانند حالت‌های قبل نمی‌باشد و فقط اجر آوردن آن حدیث در کتاب را خواهد بُرد و اجر آوردن سند آن را نخواهد داشت، به طور کلی کسی که آن را به صورت کامل حفظ نکند، وعده‌ای کامل برای او

واقع نمی‌شود. عز بن جماعه آن را را ذکر کرده است^(۱).
وی رحمه الله گفته است: «من حمل من» (کسی که از ...
را بردارد) و در روایتی: «عن أمتی أربعين حديثاً بعثه الله»
(برای امت من چهل حدیث را، الله [متعال] او را [به طوری
مبعوث] می‌نماید) و در روایتی: «لقى الله يوم القيامة فقيهاً
عالمًا» (روز قیامت الله [تعالی] را در حالی دیدار می‌کند که
فقیه و عالم است) به این معناست: روز قیامت در زمره‌ی
فقیهان و علماء محشور می‌شود یا آن که ثوابی به مانند فقیه و
عالم برای او خواهد بود و او در درجه‌ی آنها قرار می‌گیرد و
از او به علت روایت حدیث و حفظ آن ستایش بزرگی
صورت می‌گیرد^(۲).

این چهل حدیث را جمع نموده‌ام در حالی که به الله تعالی
گمان نیک می‌برم که امید مرا به ناامیدی تبدیل نکند و مرا از

(۱) انظر: فيض القدير، للمناوي (۱۱۹/۶).

(۲) انظر: فيض القدير للمناوي (۱۲۲/۶).

اجر و ثواب محروم نسازد و امیدم به او سبحانه می‌باشد که این عمل را قبول فرماید و توسط آن به امت، توفیق حفظ آن و شرح آن و عمل به آن را بدهد و مقدر فرماید که آن انتشار یابد و پخش شود، همان گونه که آن را برای اربعین نووی مقدر فرمود. البته من به فضیلت، علم و عمل او نمی‌رسم، ولی گفته شده است: «تشابه به افراد گرامی از رستگاری است» و نیکوتر از این سخن و برتر از آن این سخن رسول گرامی ماست که فرموده است: «المرء مع من أحب» (شخص با کسی خواهد بود که او را دوست می‌دارد)^(۱).

از الله سبحانه درخواست می‌نمایم که طول عمر دهد و شرح، بیان فضیلت و تأمل در معانی و دلایل آن را برای من میسر فرماید، تا توسط آن به افراد نزدیک و دور سود رسانده شود و او بر این کار توانا است و در اجابت کردن آن قدرتمند است. او سبحانه مولای من است و نیک یاری رسانی می‌باشد

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۶۱۶۸) ومسلم رقم (۲۶۴۰).

و آخرین دعای من این است که شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است.

۱ - ابوهریره رضی الله عنه گفته است: مردی بادیه نشین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مرا به عملی راهنمایی فرما که اگر آن را انجام دهم داخل بهشت می شوم، فرمود: «تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَتُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَفْرُوضَةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ» (الله [متعال] را عبادت کن و ذره‌ای به او شرک نوز و نمازهای واجب را بخوان و زکات واجب را ادا کن و رمضان روزه بگیر!) گفت: قسم به کسی که جان من در دست اوست، بر این نمی افزایم. وقتی رفت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا» (کسی که شاد می شود که به مردی از اهل بهشت بنگرد به این [مرد] نگاه کند!)^(۱).

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۱۳۹۷)، ومسلم (رقم ۱۴).

۲ - از انس رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَأَهْوَنُ أَهْلِ النَّارِ عَذَابًا لَوْ أَنَّ لَكَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ كُنْتَ تَفْتَدِي بِهِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَقَدْ سَأَلْتُكَ مَا هُوَ أَهْوَنُ مِنْ هَذَا وَأَنْتَ فِي صُلْبِ آدَمَ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِي فَأَبَيْتَ إِلَّا الشِّرْكَ» [الله [تعالی] به کسی از اهل آتش جهنم که سبکترین عذاب را دارد می-فرماید: آیا اگر آنچه بر روی زمین که نزد تو بود را حاضری بدهی تا از [عذاب] رهایی یابی؟ می‌گوید: بله، می‌فرماید: من آسانتر از آن را از تو خواستم و تو از کمر آدم هستی که به من شرک نورزی و نافرمانی کردی و شرک ورزیدی^(۱)].

۳ - عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: وقتی نازل شد: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» [الأنعام: ۸۲] (کسانی که ایمان آورده‌اند و ایمان آنها با ظلمی نیامیخته است) گفتیم: ای رسول الله! کدام یک از ما به خودش ظلم نمی‌کند؟! قال: «قَالَ لَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ» لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ «بِشِرْكِ أَوْ لَمْ

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۳۳۳۴)، ومسلم (رقم ۲۸۰۵).

تَسْمَعُوا إِلَى قَوْلِ لُقْمَانَ لَائِنِهِ: ﴿يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ [لقمان: ۱۳] «(این گونه نیست که می-گویید، (ایمان آنها با ظلمی نیامیخته است)، [منظور از ظلم] شرک است. آیا سخن لقمان به پسرش را نشنیده‌اید: (ای پسر من به الله [متعال] شرک نورز! همانا شرک ظلمی بزرگ است)»^(۱).

۴ - ابویوب انصاری رضی الله عنه گفته است: مردی گفت: ای رسول الله! مرا از عملی باخبر فرما که مرا داخل بهشت می‌کند! مردم گفتند: چه می‌خواهد، چه می‌خواهد؟! رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَرَبُّ مَا لَهُ» (نیازی دارد چه می‌خواهد) و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «تَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمَ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ وَتَصِلَ الرَّحِمَ ذَرْهًا» (به الله [متعال] ذره‌ای شرک نورز و نماز برپا دار و زکات بده و صله‌ی رحم کن [و] آن [لگام شتر مرا] رها کن) و گفته است: گویی او بر روی شترش بود^(۲).

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۳۳۶۰)، ومسلم (رقم ۱۲۴).

(۲) أخرجه البخاری (رقم ۵۹۸۳).

در روایتی دیگر آمده: بادیه نشینی نزد رسول الله ﷺ رفت و او در سفر بود و لگام شتر او را گرفت، سپس گفت: ای رسول الله! ای محمد! مرا از چیزی باخبر فرما که مرا به بهشت نزدیک می‌کند و مرا از آتش جهنم دور می‌سازد، پیامبر ﷺ خودداری کرد و سپس به اصحابش ﷺ نگریست و فرمود: «لَقَدْ وَفَّقَ أَوْ لَقَدْ هُدِيَ» (همانا او توفیق یافت یا همانا او هدایت شد) گفت: چگونه؟ گفتیم: آن را تکرار کرد؟ و پیامبر ﷺ فرمود: «تَعْبُدُ اللَّهَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ وَتَصِلُ الرَّحِمَ دَعِ النَّاقَةَ» (الله را عبادت کن و ذره‌ای به او شرک نورز و نماز برپا دار و زکات بده و صله‌ی رحم بجا بیاور [و] شتر [مرا] رها کن)^(۱).

۵ - انس بن مالک ﷺ گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ مَا دَعَوْتَنِي وَرَجَوْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ عَلَى مَا كَانَ فَيْكَ وَلَا أُبَالِي يَا ابْنَ آدَمَ

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۱۳).

لَوْ بَلَغَتْ ذُنُوبُكَ عَنَانَ السَّمَاءِ ثُمَّ اسْتَغْفَرْتَنِي غَفَرْتُ لَكَ وَلَا أُبَالِي يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ لَوْ أَتَيْتَنِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطِيئًا ثُمَّ لَقَيْتَنِي لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَأَتَيْتَكَ بِقُرَابِهَا مَغْفِرَةً» (الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم! تا زمانی که مرا بخوانی و به من امید داشته باشی؛ تو را می‌آمرزم، هر چه در تو می‌خواهد وجود داشته باشد و از آن پروایی ندارم. ای فرزند آدم! اگر گناهان تو به بلندای آسمان برسد، سپس از من طلب آمرزش نمایی، تو را می‌آمرزم و پروایی از آن ندارم. ای فرزند آدم! اگر به اندازه‌ی کلاغ‌های روی زمین خطا کرده باشی، سپس به دیدار من به حالی برسی که ذره‌ای به من شرک نورزیده باشی، برای تو یک کلاغ باقی می‌گذارم و آن آمرزش است)^(۱).

۶ - معاذ بن جبل رضی الله عنه گفته است: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در سفر بودم، روزی به او نزدیک شدم و ما در راه بودیم، گفتم: ای

(۱) أخرجه الترمذی (رقم ۳۵۴۰) وقال: هذا حدیث حسن غریب.

رسول الله! مرا از چیزی باخبر فرما که با عمل کردن به آن داخل بهشت شوم و مرا از آتش جهنم دور کند. فرمود: «لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ عَظِيمٍ وَإِنَّهُ لَيْسِيرٌ عَلَى مَنْ يَسَّرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتَقِيمُ الصَّلَاةَ وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ وَتَحُجُّ الْبَيْتَ ثُمَّ قَالَ أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى أَبْوَابِ الْخَيْرِ الصَّوْمُ جَنَّةٌ وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ وَصَلَاةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ» (از چیز بزرگی پرسیدی و آن برای کسی که الله [تعالی] آن را آسان نموده است، آسان می‌باشد. الله [متعال] را عبادت کن و ذره‌ای به او شرک نورز و نماز برپا دار و زکات بده و ماه رمضان روزه بگیر و حج بیت الله الحرام را بجا آور، - سپس فرمود: - آیا تو را به درب‌های خیر راهنمایی نکنم؟ روزه سپر است و صدقه خطاها را خاموش می‌کند همان گونه که آب آتش را خاموش می‌کند و نماز شخصی در دل شب) سپس تلاوت فرمود: ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنْ الْمَضَاجِعِ﴾ (پهلوه‌ای آنها از رختخواب جدا می‌شود) تا

آن که رسید به: ﴿يَعْمَلُونَ﴾ [السجدة: ۱۵ - ۱۷] (می‌دانند) سپس فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ كُلِّهِ وَعَمُودِهِ وَذِرْوَةِ سَنَامِهِ؟» (آیا تو را باخبر نسازم که اصل تمامی امور و ستون آن و قله‌ی آن چه می‌باشد؟) گفتم: بله، ای رسول الله! فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَذِرْوَةُ سَنَامِهِ الْجِهَادُ» (اصل امور اسلام (تسلیم امر الله تعالی شدن) و ستون آن نماز و قله‌ی آن جهاد است) سپس فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكِ ذَلِكَ كُلِّهِ؟» (آیا تو را باخبر نسازم که چه چیزی تمامی آن را پر می‌کند؟) گفتم: بله این پیامبر الله! زبانش را گرفت و فرمود: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا» (از این خودداری کن!)، گفتم: ای پیامبر الله! آیا با به واسطه‌ی آنچه می‌گوییم، مؤاخذه می‌شویم؟ فرمود: «تَكَلِّتَكَ أَمْكَ يَا مُعَاذُ وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ أَوْ عَلَى مَنَاحِرِهِمْ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ» (مادرت بی - فرزند شود ای معاذ! و آیا مردم را بر صورتهایشان یا بر بینی - هایشان چیزی در آتش جهنم واژگون می‌کند، مگر ماحصل

زبانهایشان)^(۱).

۷ - سفیان بن عبد الله ثقفی گفته است: گفتیم: ای رسول الله! به من سخنی در اسلام را بگو که بعد از تو آن را از کسی نپرسم! فرمود: «قُلْ آمَنْتُ بِاللَّهِ فَاسْتَقِمُّ» (بگو به الله ایمان آوردم، سپس استقامت بورز)^(۲).

از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت شده است که این آیه را تلاوت نمود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾ [فصلت: ۳۰] [کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است و سپس استقامت ورزیدند] معنای استقامت ورزیدن، قسم به الله، روباه صفت نبودن است. از ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت شده است که او گفت:

(۱) أخرجه الترمذی (رقم ۲۶۱۶) والنسائی فی سننه الکبری (رقم

۱۱۳۳۰) وابن ماجه (رقم ۳۹۷۳) وقال الترمذی: هذا حدیث حسن

صحيح، وصححه الألبانی فی صحيح الجامع (۵۱۳۶).

(۲) أخرجه مسلم (رقم ۳۸).

ذره‌ای به الله شرک نورزیده باشند^(۱).

۸ - عبادۀ بن صامت رضی الله عنه گفته است، رسول الله صلی الله علیه و آله در حالی که گروهی از صحابه دور او بودند، فرمود: «بَايَعُونِي عَلَى أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا تَسْرِقُوا وَلَا تَزْنُوا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ وَلَا تَأْتُوا بَبُهْتَانٍ تَفْتَرُونَهُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ وَلَا تَعْصُوا فِي مَعْرُوفٍ فَمَنْ وَفَى مِنْكُمْ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ أَصَابَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَعُوقِبَ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ أَصَابَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا ثُمَّ سَتَرَهُ اللَّهُ فَهُوَ إِلَى اللَّهِ إِنْ شَاءَ عَفَا عَنْهُ وَإِنْ شَاءَ عَاقَبَهُ» (با من بیعت کنید که ذره‌ای به الله شرک نورزید و دزدی نکنید و زنا نکنید و فرزندان‌تان را نکشید و با تهمت‌ی که در پیشگاه شما است به کسی تهمت نزنید و در امور نیک نافرمانی نکنید! کسی که به بیعت خود بماند اجر او بر الله [تعالی] است و کسی که چیزی از آنها به وی برسد، در دنیا مجازات می‌شود و آن کفارهی آن است و کسی که از آن

(۱) أخرجه ابن جریر الطبری (۷۳/۲۴).

چیزی به و برسد و الله [تعالی] آن را پنهان بدارد، اگر بخواهد او را عفو می‌نماید و اگر بخواهد مجازاتش می‌کند) سپس بر آنها با او بیعت نمودیم^(۱).

۹ - عبدالرحمن بن أبی بکره از پدرش آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «أَلَا أُنَبِّئُكُمْ بِأَكْبَرِ الْكِبَائِرِ؟» (آیا به شما خبر دهم که بزرگترین گناهان کبیره کدام هستند؟) سه بار، گفتند: بله، ای رسول الله! فرمود: «الْإِشْرَاقُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ» (شرک ورزیدن به الله [تعالی] و آزار پدر و مادر و عاق شدن توسط آنها) در حالی که نشسته بود و تکیه داده بود، فرمود: «أَلَا وَقَوْلُ الزُّورِ» (آگاه باشید و گواهی دادن دروغ). دائماً آن را تکرار فرمود، تا آنجا که آرزو نمودیم که ای کاش سکوت اختیار می‌فرمود^(۲).

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۱۸) ومسلم (رقم ۱۷۰۹) واللفظ للبخاری.

(۲) أخرجه البخاری (رقم ۲۶۵۴) ومسلم (رقم ۸۷).

۱۰ - عبد الله بن عمرو رضی الله عنهما آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «الْكَبَائِرُ الْإِشْرَاكُ بِاللَّهِ وَعُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَقَتْلُ النَّفْسِ وَالْيَمِينِ الْعُمُوسُ» (گناهان کبیره: شرک ورزیدن به الله [تعالی] و آزار دادن پدر و مادر و عاق شدن توسط آنها و کشتن کسی [به ناحق] و سوگند دروغ است)^(۱).

۱۱ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «اجْتَنِبُوا السَّبْعَ الْمُؤَبَّاتِ» (از هفت هلاک کننده اجتناب ورزید!) گفتند: ای رسول الله! آنها چه هستند؟ فرمود: «الشِّرْكُ بِاللَّهِ وَالسَّحَرُ وَقَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَكْلُ الرِّبَا وَأَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ وَالْتَوَلَّى يَوْمَ الزَّحْفِ وَقَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ الْغَافِلَاتِ» (شرک ورزیدن به الله [متعالی]، جادو و دعا نویسی، قتل کسی که الله [تعالی] کشتن او را حرام فرموده است، مگر از روی حق، خوردن ربا، خوردن مال یتیم، فرار در زمان

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۶۶۷۵).

کارزار و تهمت زدن به زنان پاک و مؤمن و غافل [از گناه، به طوری که فکر گناه به سراغ آنها نمی‌آید]^(۱).

۱۲ - معاذ بن جبل رضی الله عنه گفته است: من با پیامبر صلی الله علیه و آله بر یک سواری سوار بودیم و بین من و او چیزی نبود، جز آخر زینش، فرمود: «یا معاذ!» (ای معاذ!) گفتم: اجابت تو را می‌نمایم و تو را یاری می‌دهم. سپس مدتی گذشت و فرمود: «یا معاذ!» (ای معاذ!) گفتم: اجابت تو را می‌نمایم و تو را یاری می‌دهم. سپس مدتی گذشت و فرمود: «یا معاذ!» (ای معاذ!) گفتم: اجابت تو را می‌نمایم و تو را یاری می‌دهم. فرمود: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ؟» (آیا می‌دانی حق الله [تعالی] بر بندگان چه می‌باشد؟) گفتم: الله و فرستاده‌اش آگاه‌ترند، فرمود: «حَقُّ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ أَنْ يَعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا» (حق الله [تعالی] بر گردن بندگان این است که او را عبادت و پرستش کنند و ذره‌ای به او شرک نوززند)، سپس مدتی گذشت و

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۲۷۶۶)، ومسلم (رقم ۸۹).

فرمود: «یا معاذ بن جبل» (ای معاذ بن جبل!) : اجابت تو را می‌نمایم و تو را یاری می‌دهم. فرمود: «هَلْ تَدْرِي مَا حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ إِذَا فَعَلُوهُ؟» (آیا می‌دانی که حق بندگان بر الله [تعالی] چه می‌باشد، اگر [آن حق] را که گفتم [بجا آورند؟] گفتم: الله و فرستاده‌اش آگاه‌ترند، فرمود: «حَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُمْ» (حق بندگان بر الله [متعال] این است که [اگر حق او بجا آورند] آنها را عذاب ندهد)^(۱).

۱۳ - جابر رضی الله عنه گفته است: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای رسول الله! آن دو چیز که واجب می‌کند، چیست؟ فرمود: «مَنْ مَاتَ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ» (کسی که بمیرد و ذره‌ای به الله [متعال] شرک نرزد، داخل بهشت می‌شود و کسی که بمیرد و ذره‌ای به الله [متعال] شرک بورزد، داخل آتش جهنم

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۵۹۶۷) ومسلم (رقم ۳۰).

می‌شود^(۱).

۱۴ - ابوذر رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يَقُولُ
اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَأَزِيدُ وَمَنْ
جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَجَزَاؤُهُ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا أَوْ أَغْفِرُ وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي شِبْرًا
تَقَرَّبْتُ مِنْهُ ذِرَاعًا وَمَنْ تَقَرَّبَ مِنِّي ذِرَاعًا تَقَرَّبْتُ مِنْهُ بَاعًا وَمَنْ
أَتَانِي يَمْشِي أَتَيْتُهُ هَرَوَلَةً وَمَنْ لَقِينِي بِقُرَابِ الْأَرْضِ خَطِيئَةً لَا
يُشْرِكُ بِي شَيْئًا لَقِيتُهُ بِمِثْلِهَا مَغْفِرَةً» (الله تعالی می‌فرماید: کسی که
با نیکی بیاید برای او ده برابر خواهد بود و [گاهی آن را]
بیشتر می‌کنم و کسی که با بدی بیاید مجازات او بدی مثل آن
است یا آن که او را می‌آمرزم و کسی که به اندازه‌ی یک وجب
به من نزدیک شود من به اندازه‌ی یک ساعد به او نزدیک
می‌شوم و کسی که به اندازه‌ی یک ساعد به من نزدیک شود
من به اندازه‌ی فاصله نوک انگشتان دو دست از یکدیگر، به او
نزدیک می‌شوم، کسی که با راه رفتن به سمت من بیاید، من با

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۹۳).

حالتی بین راه رفتن و دویدن (هروله) به نزد او می‌روم و که به دیدار من برسد در حالی که به اندازه‌ی کلاغهای روی زمین خطا داشته باشد و ذره‌ای به من شرک نورزیده باشد، به دیدار او در حالی می‌رسم که فقط یک کلاغ باقی می‌ماند و آن آمرزش است^(۱).

۱۵ - ابودرداء رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّ ذَنْبٍ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَهُ إِلَّا مَنْ مَاتَ مُشْرِكًا أَوْ مُؤْمِنٌ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا» (هر گناهی امید است که الله [تعالی] آن را ببامرزد، مگر کسی که مشرک مرده باشد یا مؤمنی مؤمن دیگر را به عمد کشته باشد)^(۲).

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۲۶۸۷).

(۲) أخرجه أبو داود (رقم ۴۲۷۰) وابن حبان في صحيحه (رقم ۵۹۸۰) وصححه ووافقه الذهبي، وكذا صححه شعيب الأرنؤوط وصححه الألبانی فی صحیح الجامع رقم (۴۵۳۴) والنسائی فی سننه الكبرى (رقم ۳۴۳۲) وفي سننه الصغرى (رقم ۳۹۸۴) وعن زياده: «أو
==

۱۶ - عبد الله بن عباس رضی الله عنهما گفته است:
پسری از او در قدید یا عسفان وفات نمود و گفت: ای کریب!
نگاه کن مردم برای او جمع شده‌اند، گفت: خارج شدم و دیدم
که مردم برای او جمع شده‌اند و به او خبر دادم. او گفت: آیا
چهل نفر می‌شوند؟ گفت: بله، گفت: او را بیرون ببرید! همانا
از رسول الله ﷺ شنیدم که می‌فرمود: «مَا مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ
فَيَقُومُ عَلَى جَنَازَتِهِ أَرْبَعُونَ رَجُلًا لَا يُشْرِكُونَ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا
شَفَعَهُمُ اللَّهُ فِيهِ» (اگر شخص مسلمانی بمیرد و چهل نفر برای
او نماز جنازه بخوانند در حالی که ذره‌ای به الله شرک نمی-
ورزند، جز این نیست که الله [تعالی] شفاعت آنها را می-
پذیرد)^(۱).

۱۷ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «لِكُلِّ
نَبِيٍّ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ فَتَعَجَّلْ كُلُّ نَبِيٍّ دَعْوَتَهُ وَإِنِّي اخْتَبَأْتُ

الرجل يموت كافراً».

(۱) أخرجه مسلم رقم (۹۴۸).

دَعَوَتِي شَفَاعَةً لِّأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَهِيَ نَائِلَةٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا» (برای هر پیامبری دعایی وجود دارد که مستجاب می‌شود، هر پیامبری، آن را جلو انداخته است [و انجام داده است] و من دعای خود را برای شفاعت امتم در روز قیامت باقی گذاشته‌ام و امید به الله [تعالی] به کسی از امت من می‌رسد که بمیرد در حالی که ذره-ای به الله [تعالی] شرک نورزیده باشد)^(۱).

۱۸ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «آمُرُكُمْ بِثَلَاثٍ وَأَنْهَأُكُمْ عَنْ ثَلَاثٍ : أَنْ تَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ، وَأَنْ تَغْنَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَتَفَرَّقُوا وَتُطِيعُوا لِمَنْ وَلَّاهُ اللَّهُ أَمْرُكُمْ ، وَأَنْهَأُكُمْ عَنْ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةِ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةِ الْمَالِ» (به سه چیز شما را امر می‌کنم و از سه چیز شما را نهی می‌نمایم: این که الله را عبادت کنید و ذره‌ای به او شرک نورزید و این که همگی به ریسمان الله [تعالی] چنگ

(۱) أخرجه مسلم رقم (۱۹۹).

زنیذ و فرقه فرقه نشوید و از کسی که الله [تعالی] او را صاحب امر شما قرار داده است، اطاعت کنید و شما را نهی می‌کنم از گفت و شنود بی‌جهت و زیاد درخواست نمودن و تلف نمودن مال^(۱).

۱۹ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَرْضَى لَكُمْ ثَلَاثًا وَيَكْرَهُ لَكُمْ ثَلَاثًا فَيَرْضَى لَكُمْ أَنْ تَعْبُدُوهُ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَأَنْ تَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَيَكْرَهُ لَكُمْ قِيلَ وَقَالَ وَكَثْرَةُ السُّؤَالِ وَإِضَاعَةُ الْمَالِ» (الله تعالی برای شما از سه چیز راضی می‌شود و برای شما از سه چیز کراهت دارد، برای شما راضی می‌شود که او را پرستید و ذره‌ای به او شرک نوزید و همگی به ریسمان الله [متعال] چنگ زنیذ و فرقه فرقه نشوید و برای شما کراهت

(۱) أخرجه ابن حبان في صحيحه (رقم ۴۵۶۰) وقال شعيب الأرناؤوط: إسناده صحيح على شرط مسلم، وصححه الألباني في صحيح الجامع (رقم ۱۲).

دارد از گفت و شنود بی‌جهت و زیاد درخواست نمودن و تلف کردن مال^(۱).

۲۰ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «خَمْسٌ لَيْسَ لَهِنَّ كَفَّارَةٌ الشِّرْكُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقَتْلُ النَّفْسِ بَغَيْرِ حَقٍّ أَوْ نَهْبُ مُؤْمِنٍ أَوْ الْفِرَارُ يَوْمَ الزَّحْفِ أَوْ يَمِينٌ صَابِرَةٌ يَفْتَطِعُ بِهَا مَالًا بَغَيْرِ حَقٍّ» (پنج چیز است که کفاره ندارد: شرک به الله تعالی و کشتن کسی به ناحق یا غارت نمودن مؤمن یا فرار در روز کارزار یا قسم دروغی که باعث خوردن مالی به ناحق می‌شود)^(۲).

۲۱ - ابوموسی اشعری رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَطَّلِعُ فِي لَيْلَةِ النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ فَيَغْفِرُ لِكُلِّ خَلْقِهِ إِلَّا لِمُشْرِكٍ أَوْ مُشَاحِنٍ» (الله [تعالی] در شب نیمه‌ی

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۱۷۱۵).

(۲) أخرجه أحمد وحسنه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۳۲۴۷) وقال فی إرواء الغلیل (۱۲۰۲) إسناده حسن.

شعبان [به بندگان] می‌نگرد و تمامی مخلوقاتش را می‌آمرزد، مگر مشرک [و کافر] و شخصی که [با برادر دینی خود] دشمنی داشته باشد^(۱).

در روایتی از معاذ رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«يطلع الله إلى جميع خلقه ليلة النصف من شعبان فيغفر لجميع خلقه، إلا لمشرك أو مشاحن» (الله [تعالی] به تمامی مخلوقاتش در شب نیمه‌ی شعبان می‌نگرد و تمامی مخلوقاتش را می‌آمرزد، مگر مشرک [و کافر] یا شخصی که [با برادر دینی خود] دشمنی داشته باشد)^(۲)^(۳).

(۱) أخرجه ابن ماجه (رقم ۱۳۹۰) وحسنه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۱۸۱۹).

۲ - «مشاحن» را صاحب بدعت و جدا شده از جماعت نیز تفسیر نموده - اند. (مترجم)

(۳) أخرجه ابن حبان (رقم ۵۶۶۵)، وقال شعيب الارناؤوط: حديث صحيح بشواهد.

۲۲ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
 «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ
 يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا
 كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ» (قسم به کسی که جان من در دست
 اوست از این امتهای یهودی و مسیحی کسی نیست که من به
 گوش او برسم و آن را بشنود و [بعد از آن] بمیرد، در حالی که
 به چیزی که برای آن فرستاده شده‌ام ایمان نیاورد، از اهل
 آتش جهنم می‌شود)^(۱).

۲۳ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
 «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَا أَغْنَى الشُّرَكَاءِ عَنِ الشِّرْكِ مَنْ
 عَمِلَ عَمَلًا أَشْرَكَ فِيهِ مَعِيَ غَيْرِي تَرَكَتُهُ وَشِرْكُهُ» (الله تبارک
 و تعالی می‌فرماید و من بی‌نیازترین شخص به شریک داشتن
 هستم، کسی که عملی را انجام دهد و همراه من کسی دیگر را
 شریک گرداند [و عبادت را برای او انجام دهد یا عبادت خود

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۱۵۳).

را برای او زینت دهد] او و شریکش را رها می‌سازم [و ثواب عمل او باطل می‌شود]^(۱).

۲۴ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:
«تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ وَيَوْمَ الْخَمِيسِ فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءُ فَيَقَالُ أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا» (در بهای بهشت روز دوشنبه و روز پنج شنبه باز می‌شود و هر بنده‌ای که ذره‌ای به الله شرک نورزیده باشد، آمرزیده می‌شود، مگر مردی که بین او و بین برادرش دشمنی وجود داشته باشد و گفته می‌شود: به این دو فرصت دهید تا [رابطه‌ی بین خود] را اصلاح کنند! به این دو فرصت دهید تا [رابطه‌ی بین خود] را اصلاح کنند! به این دو فرصت دهید تا [رابطه‌ی بین خود] را اصلاح کنند!)^(۲).

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۲۹۸۵).

(۲) أخرجه مسلم (رقم ۲۵۶۵).

۲۵ - مرء از عبد الله آورده است: «وقتی رسول الله ﷺ به اسراء برده شد به سدرۃ المنتهی رسید و او در آسمان ششم بود و آن انتهای معراجی بود که از زمین برده شده بود، از آن گرفته می‌شد و به آن به انتها می‌رسید و از بالای آن هبوط می‌کرد و از آن گرفته می‌شد: ﴿إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى﴾ [النجم: ۱۶] (هنگامی که [درخت] سدره را از آنچه پوشانده بود، فرو پوشاند) گفت: سنگفرشهای آن از طلا بود و به رسول الله ﷺ سه چیز عطا شد، به او نمازهای پنجگانه عطا شد و آیات آخر سوره‌ی بقره عطا شد و آمرزیده شدن گناهان بزرگ کسی از امت وی که ذره‌ای به الله [تعالی] شرک نورزیده باشد»^(۱).

۲۶ - جریر بن عبد الله ﷺ گفته است: رسول الله ﷺ لشگری را به سوی [قبیله‌ی] خثعم فرستاد، مردم برای پناه گرفتن نسبت به آنها سجده نمودند و آنها را به سرعت کشتند.

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۱۷۲).

این امر به پیامبر ﷺ رسید، در نتیجه به آنها امر نمود تا نصف دیه را بدهند و فرمود: «أَنَا بَرِيءٌ مِنْ كُلِّ مُسْلِمٍ يَّقِيمُ بَيْنَ أَظْهُرِ الْمُشْرِكِينَ» (من از هر مسلمانی که بین مشرکان زندگی کند، بیزار هستم) گفتند: برای چه ای رسول الله؟ فرمود: «لَا تَرَأَى نَارَاهُمَا» (آتش یکدیگر را نباید ببینند)^(۱).

۲۷- جریر رضی الله عنه گفته است: نزد رسول الله ﷺ آمدم و او بیعت می‌نمود، گفتم: ای رسول الله! دستت را دراز کن تا با تو بیعت کنم! و شرطی برای من قرار بده و تو به شرط گذاشتن عالمتر هستی، فرمود: «أُبَايِعُكَ عَلَى أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ، وَتَقِيمَ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِيَ الزَّكَاةَ، وَتَنَاصِحَ الْمُسْلِمَ، وَتَفَارِقَ الْمُشْرِكَ» (با تو بیعت می‌کنم بر این که الله را عبادت کنی و نماز برپا داری و زکات بدهی و برای مسلمان خیرخواهی کنی و از مشرک

(۱) أخرجه أبو داود (۲۶۴۵) والترمذی (رقم ۱۶۰۴) والنسائی فی الکبری (رقم ۶۹۵۶) ووافقه الذهبی، وحسنه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۱۴۶۱).

جدا شوی)^(۱).

۲۸ - عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ مَاتَ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ النَّارَ» (کسی که بمیرد و ذره‌ای به الله [متعال] شرک بورزد، داخل آتش جهنم می‌شود)، من نیز می‌گویم: کسی که بمیرد و ذره‌ای به الله [متعال] شرک نورزد، داخل بهشت می‌شود^(۲).

۲۹ - ابودرداء رضی الله عنه گفته است: «عزیز من صلی الله علیه و آله به من سفارش نمود: «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا وَإِنْ قُطِعَتْ وَحُرِّقَتْ وَلَا تَتْرُكْ صَلَاةً مَكْتُوبَةً مُتَعَمِّدًا فَمَنْ تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرَأَتْ مِنْهُ الذِّمَّةُ وَلَا تَشْرَبْ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» (به الله ذره‌ای شرک نورز، حتی اگر قطعه قطعه شدی و آتش زده شدی و نماز واجب را به طور عمد ترک نکن و کسی که آن را از

(۱) أخرجه النسائي في الكبرى (رقم ۷۷۵۲) وفي الصغرى (رقم ۴۱۷۷).

وصححه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۲۵).

(۲) أخرجه البخاری (رقم ۱۲۳۸) ومسلم (رقم ۹۲).

روی عمد ترک کند، حمایتی از وی نخواهد بود و شراب ننوش زیرا آن کلید هر شری است^(۱).

۳۰ - معاذ بن جبل رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«اعْبُدِ اللَّهَ وَلَا تَشْرِكْ بِهِ شَيْئًا، وَاَعْمَلْ لِمَا كَأَنَّكَ تَرَاهُ، وَاعْدُدْ نَفْسَكَ مِنَ الْمَوْتِ، وَادْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عِنْدَ كُلِّ حَجَرٍ وَكُلِّ شَجَرٍ، وَإِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً، فَاعْمَلْ بِجَنِبِهَا حَسَنَةً، السِّرُّ بِالسَّرِّ، وَالْعَلَانِيَةُ بِالْعَلَانِيَةِ» (الله [متعال] را عبادت کن و ذره‌ای به او شرک نورز! و برای الله به گونه‌ای عمل کن که گویی او را می‌بینی و خودت را برای مرگ آماده کن! و الله تعالی را نزد هر سنگ و هر درختی یاد کن و اگر مرتکب بدی شدی در پس آن نیکی را انجام بده! [اگر عمل بد تو] مخفیانه بود [عمل نیک را] مخفیانه انجام بده و اگر آشکار بود، [عمل نیک خودت را]

(۱) أخرجه ابن ماجه (رقم ۴۰۳۴) وصححه الألبانی فی صحیح الجامع

آشکارا [انجام بده] ^(۱).

۳۱ - مغیره گفت که سعد بن عبادۀ گفت: اگر مردی را همراه زَنَم ببینم با تیزی شمشیر او را می‌زنم ^۲. این به رسول الله ﷺ رسید و فرمود: «تَعْجِبُونَ مِنْ غَيْرَةِ سَعْدٍ وَاللَّهِ لَأَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَاللَّهُ أَغْيَرُ مِنِّي وَمِنْ أَجْلِ غَيْرَةِ اللَّهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا أَحَدٌ أَحَبُّ إِلَيَّ الْعُذْرُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ بَعَثَ الْمُبَشِّرِينَ وَالْمُنْذِرِينَ وَلَا أَحَدٌ أَحَبُّ إِلَيَّ الْمِدْحَةُ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ وَعَدَ اللَّهُ الْجَنَّةَ» (آیا از غیرت سعد تعجب می‌کنید؟ قسم به الله من از او باغیرت تر هستم و الله [تعالی] از من باغیرت تر است و به همین دلیل غیرتِ الله [تعالی] است که فحشاء را در آشکار و نهان حرام نموده است، نزد کسی عذر

(۱) أخرجه الطبرانی في الكبير (۱۷۵/۲۰) رقم (۳۷۴) والبيهقي في الشعب،

وحسنه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۱۰۴۰).

۲ - این در حالی است که او می‌دانست اگر آن مرد را بکشد، حکم او قتل

است. (مترجم)

داشتن محبوبتر از نزد الله [تعالی] نمی‌باشد و به همین دلیل بشارت دهندگان [به بهشت او] و ترسانندگان [از عذاب او] را مبعوث نموده است و کسی بیشتر از الله [تعالی] ستایش را دوست نمی‌دارد و به همین دلیل الله [متعال] وعده‌ی بهشت داده است^(۱).

۳۲ - ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «يَدُ اللَّهِ مَلَأَى لَا تَغِيْضُهَا نَفَقَةٌ، سَحَاءُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْفَقَ مُنْذُ خَلَقَ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ؟ فَإِنَّهُ لَمْ يَغِيْضْ مَا فِي يَدِهِ، وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ، وَبَيْدِهِ الْمِيزَانُ يُخْفِضُ وَيَرْفَعُ» (دست الله [تعالی]، پُر است و انفاق، چیزی از آن، کم نمی‌کند. او شب و روز می‌بخشد. آیا نمی‌بینید که از بدو آفرینش آسمانها و زمین، چقدر انفاق کرده؟ ولی چیزی از آنچه در دست دارد، کم نشده است؟ و عرش الله [متعال] بر روی آب، قرار دارد.

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۷۴۱۶) ومسلم (رقم ۱۴۹۹).

ترازو در دست اوست، [رزق را] کم و زیاد می‌کند^(۱).

۳۳ - ابوهریره رضی الله عنه گفته است که مردم گفتند: ای رسول الله! آیا ما پروردگارمان را در روز قیامت می‌بینیم؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «هَلْ تُضَارُونَ فِي الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ؟» (آیا در شب مهتابی در دیدن ماه دچار مشکل می‌شوید؟) گفتند: خیر، ای رسول الله! فرمود: «فَهَلْ تُضَارُونَ فِي الشَّمْسِ لَيْسَ دُونَهَا سَحَابٌ؟» (آیا در دیدن خورشید وقتی ابری وجود ندارد، دچار زحمت می‌شوید؟) گفتند: خیر، ای رسول الله! فرمود: «فَإِنَّكُمْ تَرَوْنَهُ كَذَلِكَ يَجْمَعُ اللَّهُ النَّاسَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ شَيْئًا فَلْيَتَّبِعْهُ فَيَتَّبِعْ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ الشَّمْسَ الشَّمْسُ وَيَتَّبِعْ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ الْقَمَرَ الْقَمَرُ وَيَتَّبِعْ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ الطَّوَاغِيتَ الطَّوَاغِيتَ وَتَبَقَى هَذِهِ الْأُمَّةُ فِيهَا شَافِعُوهَا أَوْ مُنَافِقُوهَا شَكَ إِبْرَاهِيمُ فَيَأْتِيهِمُ اللَّهُ فَيَقُولُ أَنَا رَبُّكُمْ فَيَقُولُونَ هَذَا مَكَانَنَا حَتَّى يَأْتِيَنَا رَبُّنَا فَإِذَا جَاءَنَا رَبُّنَا عَرَفْنَاهُ فَيَأْتِيهِمُ اللَّهُ فِي صُورَتِهِ الَّتِي

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۷۴۱۹) ومسلم (رقم ۹۹۳).

يَعْرِفُونَ فَيَقُولُ اَنَا رَبُّكُمْ فَيَقُولُونَ اَنْتَ رَبُّنَا فَيَتَّبِعُوْنَهُ وَيُضْرَبُ الصِّرَاطُ بَيْنَ ظَهْرَيَّ جَهَنَّمَ فَاَكُونُ اَنَا وَاُمَّتِي اَوَّلَ مَنْ يُجْزِيْهَا وَلَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَئِذٍ اِلَّا الرُّسُلُ وَدَعْوَى الرُّسُلِ يَوْمَئِذٍ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ سَلِّمْ...» (شما این چنین او را می‌بینید. الله [تعالی] مردمان را در روز قیامت جمع می‌کند و می‌فرماید: «هر کس به دنبال هر چه می‌پرستیده است برود»، هر کس خورشید را می‌پرستید به دنبال خورشید می‌رود و هر کس ماه را می‌پرستید به دنبال ماه می‌رود و هر کس طاغوتها را می‌پرستید به دنبال طاغوتها می‌رود. این امت باقی می‌مانند و در آن شفاعت کننده یا منافق وجود دارد - و این شک از ابراهیم [راوی حدیث] است - الله به نزد آنها می‌رود و می‌فرماید: من پروردگار شما هستم. می‌گویند: اینجا خواهیم بود تا پروردگار ما بیاید، وقتی پروردگار ما بیاید او را می‌شناسیم، الله [تعالی] در شکلی نزد آنها ظاهر می‌شود که او را می‌شناسند و می‌فرماید: «من پروردگار شما هستم» و به دنبال او می‌روند، پل صراط را بر

روی پرتگاه جهنم قرار می‌دهند، من و امتم اولین کسانی هستند که از آن عبور می‌کنند. در آن روز کسی سخن نمی‌گوید، مگر رسولان و دعای رسولان در آن روز این است: یا الله! سالم بدار! سالم بدار!...^(۱).

۳۴ - عدی بن حاتم رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَيَكَلِّمُهُ رَبُّهُ لَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ تَرْجُمَانٌ وَلَا حِجَابٌ يَحْجُبُهُ» (کسی از شما نیست، مگر آن که پروردگار او با او سخن خواهد گفت، در حالی که بین او و بین وی شرح دهنده‌ای وجود ندارد و حجابی نیست که او را مخفی دارد)^(۲).

۳۵ - ابوموسی رضی الله عنه گفته است: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: مردی است که از روی تعصب می‌جنگد و مردی است که از روی شجاعت می‌جنگد و مردی است که از روی ریا می‌جنگد، کدام یک از آنها در راه الله [تعالی] می‌باشد؟ فرمود:

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۷۴۳۷).

(۲) أخرجه البخاری (رقم ۷۴۴۳) ومسلم (رقم ۱۰۱۶).

«مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (هر کس به خاطر سرافرازی دین الله [تعالی] بجنگد، این جنگ، جهاد در راه الله [متعال] است)^(۱).

۳۶ - ابوذر رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «أَتَانِي آتٍ مِنْ رَبِّي فَأَخْبَرَنِي أَوْ قَالَ بَشَّرَنِي أَنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْ أُمَّتِي لَمْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ شَيْئًا دَخَلَ الْجَنَّةَ» [فرشته‌ای] از جانب پروردگارم به نزد من آمد و مرا باخبر ساخت - یا بشارت داد - که هر کس از امت من که ذره‌ای به الله شرک نرزد داخل بهشت می‌شود) گفتم: حتی اگر زنا و دزدی کرده باشد؟ فرمود: «وَإِنْ زَنَى وَإِنْ سَرَقَ» (حتی اگر زنا و دزدی کرده باشد)^(۲).

۳۷ - عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کردم، کدام گناه نزد الله [متعال] بزرگتر است؟ فرمود: «أَنْ تَجْعَلَ لِلَّهِ نِدَاءً وَهُوَ خَلَقَكَ» (این که برای الله [در ذات و

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۷۴۵۸) ومسلم (رقم ۱۹۰۴).

(۲) أخرجه البخاری (رقم ۱۲۳۷، ۷۴۸۷) ومسلم (رقم ۹۴).

عبودیت و صفات] شریکی قرار دهی در حالی که [فقط] او تو را آفریده است). گفتم: این خیلی بزرگ است، گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «تُمْ أَنْ تَقْتُلَ وَلَدَكَ تَخَافُ أَنْ يَطْعَمَ مَعَكَ» (سپس این که فرزندت را بکشی از ترس آن که با تو چیزی بخورد) گفتم: سپس کدام؟ فرمود: «تُمْ أَنْ تُزَانِيَ بِحَلِيلَةٍ جَارِكَ» (سپس آن که با همسر همسایهات زنا کنی)^(۱).

۳۸ - عدی بن حاتم رضی الله عنه گفته است: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتم در حالی که بر گردنم صلیبی از طلا بود، فرمود: «يَا عَدِيُّ اطْرَحْ عَنْكَ هَذَا الْوَتْنَ» (یا عدی! این بت را بی انداز!) و از او شنیدم که در سوره‌ی براءت قرائت فرمود: «اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» [التوبة: ۳۱] (بزرگان دینی و روحانیانشان را اله‌هایی به غیر از الله [تعالی] بر می‌گزینند) فرمود: «أَمَّا إِنَّهُمْ لَمْ يَكُونُوا يَعْبُدُونَهُمْ وَلَكِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا أَحَلُّوا لَهُمْ شَيْئًا اسْتَحَلُّوهُ وَإِذَا حَرَّمُوا عَلَيْهِمْ شَيْئًا حَرَّمُوهُ» (به این گونه

(۱) أخرجه البخاری (رقم ۷۵۲۰) ومسلم (رقم ۸۶).

نیست که آنان، آنها را عبادت کنند، ولی اگر [حرامی] را حلال کنند، آنها آن را حلال می‌دانند و اگر [حلالی] را حرام کنند، آنها آن را حرام می‌دانند^(۱).

۳۹- ابن عمر رضی الله عنهما گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» (کسی که به گروهی تشابه پیدا کند، او از آنها است)^(۲).

۴۰- سمره بن جندب رضی الله عنه گفته است که رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ جَامَعَ الْمُشْرِكَ، وَسَكَنَ مَعَهُ فَإِنَّهُ مِثْلُهُ» (کسی که

(۱) أخرجه الترمذی (رقم ۳۰۹۵) والبيهقي في سننه الكبرى (۱۱۶/۱۰) وحسنه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی.

(۲) أخرجه أبو داود (رقم ۴۰۳۱) وأحمد في مسنده (۵۰/۲) قال الحافظ ابن حجر في فتح الباری (۹۸/۶) وله شاهد مرسل بإسناد حسن، وقال ابن تیمیة فی الفتاوی (۳۳۱/۲۵) هذا حدیث جید، وقال فی اقتضاء الصراط المستقیم (۲۴۰/۱) وهذا إسناد جید وحسنه السيوطی فی الجامع الصغير (رقم ۸۵۹۳) وصححه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۶۱۴۹).

با مشرکی جماع کند و همراه او زندگی کند، به مانند او است^(۱).

در روایتی دیگر آمده است: «لَا تُسَاكِنُوا الْمُشْرِكِينَ وَلَا تَجَامِعُوهُمْ فَمَنْ سَاكَنَهُمْ أَوْ جَامَعَهُمْ فَهُوَ مِثْلُهُمْ» (با مشرکان زندگی نکنید و با آنها جماع نکنید، کسی که با آنها زندگی کند یا با آنها جماع نماید، از آنها است)^(۲).

۴۱ - عبد الله بن عمرو بن العاص رضی الله عنهما گفته است: رسول الله ﷺ دید که من دو لباس رنگ شده با عصفر پوشیده‌ام و فرمود: «إِنْ هَذَيْنِ مِنْ ثِيَابِ الْكُفَّارِ، فَلَا تَلْبَسَهُمَا» (این دو از لباس کافران هستند و آنها را نپوش!).

در روایتی آمده است: «أَأْمُرُكَ أَمْرَتِكَ بِهَذَا؟» (آیا

(۱) أخرجه أبو داود (رقم ۲۷۸۷) وحسنه الألبانی فی صحیح الجامع (رقم ۶۱۸۶).

(۲) أخرجه الترمذی (رقم ۱۶۰۵) وصححه الألبانی فی صحیح سنن الترمذی.

مادرت تو را به این امر نموده است؟) گفتم: آنها را می‌شورم؟
فرمود ﷺ: «بَلْ أَحْرَقَهُمَا» (بلکه آنها را آتش بزن!)^(۱).

این احادیثی چهل گانه بود که حول توحید بودند، آنها را
برگیرید تا توسط بعضی از آنها، توحید شما حفظ شود و برای
آن غیرت نشان داده شود. آنها را جمع نمودم و حفظ کردن تا
توحیدم و توحید برادران مسلمانم را با حفظ نمودن و یاد آور
شدن به آنها، سالم نگه دارم. از الله ﷻ درخواست می‌نمایم که
به من کمک کند تا شرح آنها را بیان دارم و بر معانی و
راهنمایی‌های آن تأمل نمایم. همان گونه که از او سبحانه
درخواست می‌نمایم تا در آن قبولی و نشر داده شدن و نفع
رساندن قرار دهد و آن را در زمره‌ی اعمال صالح و علم نافع
مقرر گرداند، او یاور من است و بر آن توانایی دارد و او برای
من کافی است و نیک نگهبانی می‌باشد و الحمد لله رب
العالمین.

(۱) أخرجه مسلم (رقم ۲۰۷۷).